

**پسر نوجوان وقتی برای ایجاد مزاحمت برای یک زن دست به تلفن شد، فکر نمی کرد مجازات سختی در انتظار اوست.** به گزارش خبرنگار ما، هفته گذشته بود که پسر ۱۳ ساله‌ای همراه پدرش به اداره پلیس رفت و از مرد ناشناسی به اتهام آدم‌ربایی و ضرب و جرح شکایت کرد.

پسر نوجوان در توضیح ماجرا گفت: مدتی قبل پدرم برای من یک گوشی تلفن همراه خرید. از اینکه تلفن همراه خیلی خوشحال بودم و همیشه تلفنی با دوستان و بستگانم صحبت می کردم تا اینکه چندی قبل به صورت اتفاقی شماره تلفن همراهی را گرفتم که متعلق به یک زن جوان بود. ابتدا از او عذر خواهی کردم و گفتم که اشتباهی گرفته‌ام و تلفن را قطع کردم، اما چند روز بعد شیطان مرا وسوسه کرد

## انتقال پیکر خونین در ملأعام

**پنج مرد در شهرکی در جنوب تهران جسد خونین مرد عربانی را مقابل چشمان ساکنان محل و کارگران شهرداری روی زمین کشیدند**

**و به داخل خودروی پرایدی منتقل کردند.** به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۰ و ۲۰ دقیقه روز جمعه، ۲۶ آذر ماه، خبرنگاری که در حال عبور از شهرک شهید پروجردی در جنوب تهران بود با دیدن پنج مرد که پیکر خونین مرد قوی هیکلی را روی زمین می کشاندند، مأموران کلانتری ۱۵۸ کیهانشهر را از ماجرا با خبر کرد. این خبرنگار در شرح ماجرا گفت:همراه دختر خردسالم مأموران کلانتری تهرانسر را از ناپدید شدن ناگهانی پسرش با خبر کرد. او گفت: پسر ۱۶ ساله‌م که آرش نام دارد، روز گذشته راهی مدرسه شد، اما دیگر برنگشت. ساعتی بعد از تعطیل شدن مدرسه بود که با نگرانی به دنبالش بودم که مرد ناشناسی تماس گرفت و گفت که آرش را با همدمستی دوستانش ربوده و باید در قبال آزادی‌اش ۵ میلیارد تومان پول بدهم. او تهدید کرد، اگر پلیس را از ماجرا باخبر کنم، پسرم را خواهد کشت. ابتدا تصمیم گرفتم موضوع را به پلیس اطلاع دهم، اما ترسیدم که آدم‌ربایان به پسرم آسیب برسانند. آدم‌ربایان امروز دوباره تماس گرفتند و گفتند که اگر این مبلغ را به همراه وسریاز وظیفه‌با خودروی پلیس پشت خودروی من حرکت کردند تا محل حادثه را به این آنها ندیم. من کمی دورتر از محل حادثه خودروام را نگه داشتم تا از سوی مردان خلافکار شناسایی نشوم و مشخصات پنج مرد خلافکار و خودروی آنها برای مأمور پلیس دادم، اما جالب اینجای بود که مأمور پلیس هنوز متوجه موضوع نشده بود. وقتی با مأمور به محل حادثه نزدیک شدیم، متوجه شدم آنها چندساره به صندلی عقب خودرو منتقل کرده‌اند و طوری او را نشانده‌اند که کسی به آنها شک نکند و دوفر از آنها هم کنارش نشسته‌اند تا جسد خوننی دیده نشود و یکی دیگر از مردان خلافکار هم هنوز به درختی تکیه داده بود و با تلفن در حال حرف زدن بود. آنها خیلی خوشبود بودند. وقتی مأموران به آنها نزدیک شدند، من محل را ترک کردم، اما با توجه به ظاهر جسد احتمالی می‌دهم مرد خونین فوت کرده‌باشد.

وی در ادامه گفت: متأسفانه محدوده شهرک شهید پروجردی افراد خلافکار شب وروز در حال تردد هستند و برای ساکنان شهرک مزاحمت ایجاد می کنند، اما مأموران کلانتری با آنها هیچ برخوردی نمی کنند. هر زمانی ما موضوع را به مأموران گزارش می دهیم با اصلاً در محل حاضر نمی شوند یا زمانی حضور پیدای کنند که افراد خلافکار آنجا را ترک کرده‌اند.

صبح دیروز خبرنگار ما برای پیگیری ر کلانتری ۱۵۸ کیهانشهر تماس گرفت.فسر نگهبان کلانتری گفت:من درباره این حادثه خبری ندارم و در حال حاضر محمت و سقم آن را تأیید نمی کنم. وی گفت: امروز روز تعطیلی است و مأموری که روز حادثه حضور داشته امروز به مرخصی رفته‌است، رئیس هم که در کلانتری نیست و من هم از حادثه اطلاعی ندارم.

### سهل انگاری پدر

### جان پسر ۶ساله را گرفت

**شوخی بو برادر خردسال با تفنگ شکاری پدرشان در روستایی از توابع شهرستان لاهیجان در استان گیلان، مرگ یکی از آنها را رقم زد.**

این حادثه ساعت ۱۷ عصر روز پنج شنبه ۲۵ آذر ماه در روستای لیلستان شهرستان لاهیجان رخ داد. وقتی مأموران پلیس در محل حادثه حاضر شدند با جسد خونین پسر شش ساله‌ای رویه‌ور شدند که بر اثر شلیک گلوله‌ای به صورت جان باخته بود.

بررسی‌ها نشان داد لحظاتی قبل دو فرزند خردسال با تفنگ شکاری در پشت دره شده و آماده شلیک که به خاطر سهل انگاری پدرشان در خانه رها شده بود، بازی می کردند که ناگهان برادر بزرگ‌تر لوله تفنگ را به سمت صورت برادر کشید. سلسالمش می گیرد و به صورت ناخوداگاه

شلیک می کند. سرهنگ محمود قاسمی، فرمانده انتظامی شهرستان لاهیجان گفت: به دلیل فاصله بسیار کم کودک با سر لوله تفنگ، صورت پسر شش ساله متلاشی شده و شدت جراحت وارده به حدی زیاد بود که مجروح در دم جان باخته‌است.

# تنبیه کردن مزاحم تلفنی در بیابان‌های شهر

**نداشتن اعتماد به پلیس منجر به بسیاری از پرونده‌های انتقام‌گیری شخصی می‌شود**

تلفنی برای زن جوان مزاحمت ایجاد کنم. هر روز چند بار به تلفن همراهش پیامک می‌دادم و گاهی هم تلفن می‌زد. خیلی اصرار کردم او را ملاقات کنم، اما زن جوان قبول نمی‌کرد تا اینکه دیروز او به من پیامک داد و خواست مرا در خارج از تهران ملاقات کند. پس از این در محل قرار حاضر شدم و منتظر زن جوان بودم که خودرویی کنارم توقف کرد و مرد جوانی از خودرو پیاده شد. او به همان نامی که خودم را به زن جوان معرفی کرده بودم، مرا صدا زد و وقتی جویاش را دادم با تهدید چاقو مرا سوار و به منطقه‌ای دیگر منتقل کرد. در حالی که به شدت ترسیده بودم از مرد جوان خواستم مرا رها کند، اما التماس‌ها و گر به‌های من فایده‌ای نداشت تا اینکه در نهایت او خودرواش را در بیابان‌های اطراف تهران نگه داشت. آن مرد مرا ساعت‌ها به شدت کتک

زد و بعد در همان بیابان‌های دور افتاده رها کرد. پس از این خودم را به جاده رساندم و از یک خودروی عبوری کمک خواستم و راننده آن مرا به تهران آورد. با طرح این شکایت، پرونده به دستور قاضی آرش سفی، باز پرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در محل قرار حاضر شدم و منتظر زن جوان بودم که خودرویی کنارم مأموران در همان تحقیقات ابتدایی به شوهر زن جوان مظنون شدند و وی را برای بازجویی به اداره پلیس احضار کردند. او در بازجویی‌ها به ربودن پسر نوجوان اعتراف کرد و گفت: مدتی بود به رفتارهای همسرم مشکوک شده بودم. همیشه پیامک‌های مشکوکی به تلفن همراه همسرم ارسال می‌شد و همسرم بلافاصله پاک می‌کرد. پیامک‌ها و تلفن‌های مشکوک تا جایی ادامه داشت که حتی نیمه‌شب

## اقرار سردسته باند در جلسه داد‌گاه:

# آدم‌ربایی ۵میلیاردی با آموزه‌های زندان



**سه مرد زندانی که بعد از رهایی از حبس سناریوی**

**ربودن پسر نوجوانی را برای اخذی میلیاردی از پدرش طراحی و اجرا کرده بودند، محاکمه شدند. سردسته باند اعتراف کرده است که تحت تأثیر آموزه‌های زندان این نقشه را طراحی و اجرا کرده است.**

به گزارش خبرنگار ما، ۲۴ دی ماه سال ۹۴، مردی مأموران کلانتری تهرانسر را از ناپدید شدن ناگهانی پسرش با خبر کرد. او گفت: پسر ۱۶ ساله‌م که آرش نام دارد، روز گذشته راهی مدرسه شد، اما دیگر برنگشت. ساعتی بعد از تعطیل شدن مدرسه بود که با نگرانی به دنبالش بودم که مرد ناشناسی تماس گرفت و گفت که آرش را با همدمستی دوستانش ربوده و باید در قبال آزادی‌اش ۵ میلیارد تومان پول بدهم. او تهدید کرد، اگر پلیس را از ماجرا باخبر کنم، پسرم را خواهد کشت. ابتدا تصمیم گرفتم موضوع را به پلیس اطلاع دهم، اما ترسیدم که آدم‌ربایان به پسرم آسیب برسانند. آدم‌ربایان امروز دوباره تماس گرفتند و گفتند که اگر این مبلغ را به آنها نسازم، انگشتان پسرم را بر ایمن خواهند فرستاد. به خاطر همین بود که تصمیم به شکایت گرفتم.

بعد از مطرح شدن شکایت مأموران پلیس بار دبابی تماس‌های آدم‌ربایان توانستند حقیق‌گاه آنها را در یکی از باغ‌های شهریار شناسایی و آنها را دستگیر و گروگان رادر سلامت کامل آزاد کنند.

**طراح نقشه مرد آشنا بود**

طراح نقشه که غلام نام داشت، در شرح ماجرا گفت: ما سه نفر در زندان با هم آشنا شدیم. وقتی از زندان آزاد شدیم، نقشه آدم‌ربایی را طراحی کردم. می‌دانستم که یکی از بستگان وضع مالی خیلی خوبی دارد. اگر بچه او را به گروگان می‌گرفتم، می‌توانستم پول خوبی از پدرش اخذای کنیم. بعد نقشه را با دو همدمستم در میان گذاشتم. که از آن استقبال کردند. ابتدا به مدت یک هفته مقابل مدرسه آرش کمین و نقشه را با هم مرور و سر انجام در فرص مناسب آن را اجرا کردیم.

**ایستگاه‌همکامه**

دو همدمت غلام هم در بازجویی‌ها به جرمشان اعتراف کردند. با کامل شدن بررسی‌ها سه متهم به جرم آدم‌ربایی مجرم شناخته و در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی اعصرزاده محاکمه شدند.

**ماجرا از زبان گروگان**

ابتدای جلسه پسر نوجوان در جایگاه حاضر شد و در شرح ماجرا گفت: روز حادثه بعد از تعطیلی مدرسه کنار خیابان رفتم تا با تاکسی به خانه بروم. همان لحظه یک خودروی مسند که سمسرنشین داشت، ترمز کرد و به عنوان مسافر اندیت‌ها و آزارهایی که به او می‌دادند، نوشته بود. آنها قبل ساکت باشم. بعد چشم‌هایم را بستند. ساعتی بعد وقتی چشم‌هایم را داخل یک ویلا باز کرد، متوجه غلام شدم. او از بستگان من بود و باورم نمی‌شد که او این کار را کرده

**آموزه زندان**

بعد از توضیحات شاکي، رئیس داد‌گاه از متهم ردیف اول خواست تا در جایگاه ماجرا را شرح دهد. او گفت: من و داریوش به خاطر محکومیت مالی و اصغر به اتهام سرقت، قتل غیر عمد و مواد مخدر در زندان بودیم که با هم آشنا شدیم. وقتی از زندان آزاد شدم هنوز مشکلات بدهی‌ام حل نشده بود و هر روز یکی از بدهکارها جلوی منزلم می‌آمد و ابرو بریزی می‌کرد. با آموزه‌های زندان تصمیم به آدم‌ربایی گرفتم. یکی از بستگان پدرم وضع مالی نسبتاً خوبی داشت. آنها به تنه پسرشان آرش علاقه زیادی داشتند و حاضر بودند برای او هر کاری انجام بدهند. در مورد نقشه‌ام با دوستان زندانی‌ام داریوش و اصغر صحبت کردم و آنها نیز به خاطر مشکلات مالی قبول کردند. ما من همدست شوندم. برای انجام کار اسلحه ۴ میلیون تومانی خریدم و یک باغ ویلا را با مبلغ بالا در شهریار اجاره کردم. سه نفری یک هفته قبل از حادثه آرش را زیر نظر گرفتیم تا بتوانیم نقشه‌مان را درست پیاده کنیم. او در خصوص روز حادثه گفت: آن روز برای اینکه آرش مرا نشانسد در صندلی جلو نشسته بودم. وقتی به عنوان مسافر سوار شده، با تهدید اسلحه‌ام او را به باغ بردیم. داریوش و اصغر مسئول نگهداری از آرش بودند و به آنها سفارش کرده بودم با او مهربان باشم و آزاری نرسانم. خودم خیلی در باغ نمی‌ماندم تا مبادا آرش مرا شناسایی کند تا اینکه بعد از گذشت چهار روز وقتی هر چهار نفر در باغ بودیم، غلغله‌های دستگیر شدیم.

او ادامه داد: بعد از دستگیری مقابل آرش و پدرش آبرویم رفت. اصلاً به آن لحظه فکر نکرده بودم. دیگر متهمان نیز در جایگاه توضیحات غلام را تأیید کردند و گفتند: به خاطر بدهی و مشکلات مالی با غلام همدست شدیم. در آن مدت برای تهدید بود که به پدر و مادر آرش آن حرف‌ها را زدیم و گریه هیچ آزاری به او نرساندیم. در آخر بعد از آخرین دفاع متهمان هیئت قضایی وارد شور شد.

## اینجا علاج واقعه را

## بعد از وقوع می کنند

**پیدا شدن گودالی به مساحت ۵۰ متر و عمق ۵ متر در یکی از کوچه‌های باریک خیابان مولوی ساکنان محصل را آواره کرد.**

**شهرداری علت حادثه را ناپایداری در یکی از شمع‌های حائل شفت میانی هوارسان مترو در ایستگاه مربوطه اعلام کرده است. ۱۹ مهرماه یک آتش‌نشان هنگام عملیات نجات کارگری که در نزدیکی این محل در عمق زمین گرفتار شده بود، به شهادت رسید. این حادثه مرگ کارگر را هم به شهادت داشت. ترک برداشتن ساختمان‌های تجاری و مسکونی بسیاری در خط متروی این مسیر از جمله حوادثی است که نگرانی ساکنان محل را به همراه داشته است.**

به گزارش خبرنگار ما، پیدا شدن گودال عمیق ساعت ۸ و ۵۹ دقیقه صبح دیروز اتفاق افتاد. بخت با ساکنان یار بود که حادثه در روز تعطیل اتفاق افتاد و گر نه با شلوغی این محل در روز غیر تعطیل مشخص نبود که چه فاجعه‌ای در انتظار ساکنان است.

محل حادثه کوچه‌ای باریک در بافت فرسوده، حد فاصل چهارراه مولوی و میدان محمدیه است. بررسی‌ها خیلی زود نشان داد که زمین ۵۰ متری تا عمق ۵ متر نشست کرده و گودال عمیقی ایجاد شده است. جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران گفت که بعد از حادثه آتش‌نشانان از چهار ایستگاه

### دزدان کبوتر شکار شدند

**اعضای باند دزدان کبوتر در شهرستان کاشمر به دام پلیس افتادند.**

چندی قبل شکایت‌های مشابه از سرقت کبوتر در شهرستان کاشمر به پلیس گزارش شد.

بررسی هان نشان داد که سارقان شبانه به خانه‌هایی که کبوتر نگه می‌دارند دستبرد می‌زنند و کبوترها را سرقت می‌کنند. در حالی که تعداد سرقت‌ها در حال افزایش بود مأموران پلیس در بازدید از آخرین محل سرقت متوجه شدند که آنجا مجیز به دوربین مدار بسته است. آنها بعد از بررسی تصاویر دوربین موفق شدند سارقان را که سه پسر به نام‌های میلا ۲۵ ساله، امیر ۲۴ ساله و سجاد ۲۶ ساله بودند، شناسایی و بازداشت کنند. متهمان در بازجویی‌ها به هشت فقره سرقت اعتراف کرده‌اند.

### آتش گرفتن اتوبوس مسافری

**اتوبوس مسافری ری به علت نقص فنی موتور در جاده هراز در آتش سوخت.**

این حادثه ساعت ۱۰ صبح روز پنج‌شنبه در کیلومتر ۹۰ این محور اتفاق افتاد. مأموران گشت پلیس راه که متوجه آتش گرفتن اتوبوس شدند، خودرو را کنار جاده متوقف و بعد از پیاده کردن ۱۵ مسافر آن با کپسول آتش‌نشانی آتش را مهار کردند. بررسی‌ها نشان داد که اتوبوس از شهرستان بهشهر راهی تهران بود که دچار حادثه شد. حادثه علت نقص فنی از ناحیه موتور اعلام شده‌است.

### باشگاه خصوصی

### خسارت تأخیر پرداخت

هر گاه کسی به شما بدهکار باشد و از پرداخت بدهی خود در موعد مقرر خودداری کند، می‌توانید با اقدام قانونی علیه او، علاوه بر اصل طلب خود، خسارت دیر کرد آن را که در قانون به آن «خسارت تأخیر» گفته می‌شود، مطالبه و دریافت کنید. این مبلغ اضافی به دلیل ضرری است که به طلبکار وارد شده است. بنابر این طلبکار می‌تواند علاوه بر دریافت اصل طلب خود بابت تأخیر بدهکار در پرداخت بدهی از او دیر کرد بگیرد، اما برای این کار چند شرط وجود دارد.

- طلب از نوع وجه رایج باشد. پس برای مثال بابت مواد شیمیایی، محصولات صنعتی، مواد غذایی و غیره نمی‌توان دیر کرد گرفت.

- طلبکار از بدهکار در خواست کرده باشد که طلب او را بدهد. بهترین راه برای این کار، ارسال اظهارنامه است. همچنین دادن دادخواست به منزله مطالبه طلب است. از آنجایی که زمان شروع محاسبه خسارت تأخیر زمان خود را با ارسال اظهارنامه و نظایر آن در خواست کنید تا بتوانید مبلغ بیشتری را به عنوان دیر کرد دریافت کنید و دیگر اینکه به موجب اسناد معتبر، بدهکار متعهد به پرداخت بدهی خود در موعد مقرر بوده و از انجام تعهد خودداری کرده باشد. پس تا زمانی که طلب خود را مطالبه نکرده باشد، خسارت دیر کرد تعلق نمی‌گیرد.

-بدهکار توانایی مالی برای پرداخت بدهی خود داشته باشد و در صورتی که تمکن مالی نداشته باشد، می‌تواند تقاضای تقسیط کند. افراد ورشکسته فاقد توانایی مالی محسوب می‌شوند.

-ساختن قیمت‌ها دچار تفاوت فاحش شده باشد. پس در صورتی که تورم قیمت‌ها زیاد نباشد، مشمول پراخت دیر کرد نمی‌شود.



خودشان را به محل رساندند و بعد از ایمن کردن محل شروع به امداد رسانی کردند. او توضیح داد که محل حادثه در مجاورت هواکش کارگاه مترو قرار دارد و به دنبال نشست زمین، شفت عمیق هم تخریب شده و خاک به عمق ۱۲ متر ریزش کرده است.

بر اساس این گزارش، حادثه منجر به وارد شدن خسارت جزئی به چهار ساختمان مجاور شده است که بدون اسکلت فلزی و فرسوده بودند. جهت رعایت مسائل ایمنی، ساکنان این منازل در محل مناسبی اسکان یافتند و عملیات ترمیم نیز به لحاظ اصول مهندسی در حال انجام است و نسبت به ترمیم ساختمان‌های مجاور هم اقدام خواهد شد.

آنگونه که شهرداری اعلام کرده است، شهروندان این محدوده در سه هتل در تهران اسکان داده می‌شوند تا محل مذکور ایمن‌سازی شود.

## به جوان دوباره نگاه کن

**Javanonline.ir**



#### آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده (نوبت اول)

شرکت تعاونی تولیدی و توزیعی سرپناه ساز رضوان به شماره ثبت ۲۸۸۰۸۲ از کلیه اعضاء شرکت تعاونی دعوت می‌نماید تا در مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول که در روز جمعه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۷ رأس ساعت ۱۲ تا ۱۴:۳۰ در محل سالن اجتماعات به آدرس: خیابان پیروزی، چهارصد دستگاه، جنب آموزش و پرورش منطقه ۱۴ برگزار می‌شود، حضور بهم رسانید.
**دستور جلسه:**
۱. ارائه گزارش مالی (به صورت حد)
به هر عضو ۱۴ برگزار می‌شود، حضور بهم رسانید.
ضمناً متقاضیان عضویت در هیات مدیره و بازرسین شرکت حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ درخواست و رزومه خود را به دفتر شرکت ارائه نمایند. (۲)

#### آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت اول)

شرکت تعاونی تولیدی و توزیعی سرپناه ساز رضوان به شماره ثبت ۳۸۸۰۸۲ از کلیه اعضاء شرکت دعوت می‌نماید تا در مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول که در روز جمعه ۱۳۹۵/۱۰/۱۷ رأس ساعت ۱۵ تا ۱۷ در محل سالن اجتماعات به آدرس: خیابان پیروزی، چهارصد دستگاه، جنب آموزش و پرورش منطقه ۱۴ برگزار می‌شود، حضور بهم رسانید.
ضمناً متقاضیان عضویت در هیات مدیره و بازرسین شرکت حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ درخواست و رزومه خود را به دفتر شرکت ارائه نمایند. (۲)

#### آگهی فقدان سند مالکیت پلاک ۹۵۸ واقع در گناه بخشن نشی بو شهر

آقای سید عمران حسینی حقیقی مالک شش دانگ پلاک ۹۵۸ با تسلیم استشهاد محلی گواهی شده دفتر ۸۱ گناه مدعی است که یک جلد سند مالکیت شش‌دانگ پلاک ۹۵۸ واقع در گناه بخشن شش بو شهر که در صفحه ۱۲ دفتر جلد ۲ ذیل ثبت ۴۰۲ به نام آقای سید محمود معتمد صادر و تسلیم گردیده سپس به موجب سند قطعی شماره ۷۸۵۹۹ مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۱۷ تنظیمی دفتر ۶ برآزان مع الواسطه به آقای سید عمران حسینی حقیقی انتقال گردیده است به علت جنجالی حقوقی گردیده و درخواست صدور سند مالکیت العننی را نموده لذا مراتب طبق اصلاح نهمه یک اصلاحی ماهه ۱۲ این نامه قانون ثبت اعلام می‌گردد که هر کسی نسبت به ملک مورد آگهی معامله نموده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد تا ده روز پس از انتشار این آگهی سه اذنه جهت استاه و املاک گناه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت و یا سند معامله تسلیم نمایند باینجه لایحه مدت نظر اعتراضی ترسد و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود العننی سند طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد شد/
الف: ۱۲
مجید ابروی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گناه